فضاهای متفاوت برای دوست یابی!

این تعداد دوستی هایی که امروز در بین ما رواج پیدا کرده، فکر نمی کنم تاریخ به خودش دیده باشد. حتی سبک و سیاق رفاقت ها نیز تغییر چهره داده است. حق هم دارد چرا که دنیا در حال تغییر و دگرگونی است و انسان بیش از پیش احتیاج به دوست و رفیق دارد تا بتواند تنهاییش را پر کند، خلاء هایش را مرتفع ساخته و نیاز هایش را برطرف سازد. اگر دوست و دوستی امری ناپسند بود دینمان نیز بدان سفارش نمی کرد در حالی که کم نیستند احادیث و روایاتی که انسان را به دوستی امر می کنند از آن جمله رسول خدا (ص) فرموده است: دوستی کردن با مردم نیمی از خرد است. (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی ؛ ج ۴ ؛ ص۴۵۷) پس دوست و دوستی کردن نمی تواند امری ناپسند باشد چرا که اگر دوست بد بود خدا برای خود دوستی انتخاب نمی کرد و این در حالی است که در آیه ۱۲۵ سوره نساء خداوند کریم، حضرت ابراهیم(ع) را به عنوان دوست خود معرفی می کند.

بله، خدا هم برای خود دوستی دارد که بدین طریق، بندگانش نیز به پیروی از او، چون او برای خود دوستانی انتخاب کنند اما چگونه و به چه شیوه ای؟ به همین شیوه‌ای که در میانمان در حال وقوع است؟ یعنی دوستی هایی که در خیابان و در فضاهای مجازی از جمله چت روم و کلوپ‌ها و وایبر و غیره و ذالک اتفاق می افتد؟ یا دوستی‌هایی که در پارتی ها و مجالس شبانه رخ می دهد و یا به بهانه درس و تحصیل شکل می گیرد و... شما کدامیک را می پسندید؟ دوستی از نوع جنس مخالف را کنار می گذاریم. چقدر بر دوستانی که از جنس خودتانند می توانید نام دوست را بگذارید، چقدر به دوستیتان اعتماد دارید؟ خدا هم دوست انتخاب می کند، بنده اش نیز در صدد انتخاب دوست است ، اما به تفاوتی به وسعت بی کران ها.

دوستی ما انسان ها گاه بر حق است و گاه نیتی شوم بر پشت آن خوابیده، دوستی هایی که جز منفعت های شخصی، دنیا طلبی ها و وسوسه های شیطان پایه و اساس دیگری ندارد. و همین قسم دوستی است که باعث شده فسادهایی از قبیل جزاف‌گویی ها و زورگویی ها در بین بشر راه بیابد. دوستی هایی که برای پر کردن وقت و تفریح و سرگرمی است و رشد و کمالی درش نیست و رضایت شیطان در آن موج می‌زند.

بیایید نوع دوستی میان خودمان و دوستی خدا را مقایسه کنیم.

تفاوت اول: خداوند خالق بندگانش است و لاجرم همه بندهایش را می شناسد و به ایشان معرفت کامل دارد از این رو انتخاب حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان دوست، انتخابی از روی شناخت و آگاهی بوده است بدین معناکه خداوند کریم به دلیل وجود برخی صفات و ویژگی هایی که در آن حضرت مشاهده نموده و او را می شناختند ایشان را به مقام خلیل الله، یعنی دوستی خدا برگزیدند.

امروز، فردی پشت کامپیوتر شخصی خود نشسته و در فضاهای مجازی به ویژه شبکه های اجتماعی سیر می کند، در آن واحد با تعداد کثیری از افراد با خصوصیات و ویژگی‌های متعدد سرو کار دارد که این خود بس جای شگفتی است! با حداقل اطلاعات (درست یا نادرست) رابطه دوستی شکل می‌گیرد و در این میان ممکن است پس از مدتی این رابطه عمیق تر شده و این دوستی از فضای مجازی خارج شده و قدم به عالم واقعیت بگذارد. و این در حالی است که شناختی بسیار ناچیز و کم اهمیت از افراد در این میان وجود داشته و طرفین نسبت به هم در هاله ای از ابهام به سر می برند که همین امر مورد توجه سودجویان و کلاه برداران بسیاری شده تا بدین واسطه بتوانند نیات شوم خود را عملی سازند.

تفاوت دوم: در روایتی از امام صادق (ع) چنین می خوانیم: که خداوند اگر ابراهیم را به عنوان خلیل (دوست) انتخاب کرد نه به خاطر نیاز به دوستی او بود، بلکه به خاطر این بود که ابراهیم بنده مفید پروردگار و کوشا در راه رضای او بود(تفسیر نمونه)

دوستی خدا با حضرت ابراهیم(ع) به خاطر نیازش نبود چرا که خداوند بی نیاز مطلق است هر چند که انسان در ذات فقیر و نیازمند است و نیاز به دوستی نیز در او از همین فقرش نشأت می گیرد با این تفاوت که رفع این نیاز می‌بایست در جهت رفع نیاز اساسی او یعنی سعادت باشد نه اینکه موجبات شقاوت و بدبختی او را نیز فراهم سازد چنانکه می بینیم بسیاری از افرادی که در دام مواد مخدر و یا پشت میله های زندان اسیرند علت اصلی بدبختی خود را دوست ناباب می دانند.

تفاوت سوم: خداوند صفات ویژه و منحصر به فردی را در حضرت ابراهیم علیه السلام دید که او را خلیل الله نامید از آن جمله، سجده های بسیار، اطعام مساکین، نماز شب، رد نکردن سائل و مهمان نوازی او. آن حضرت به تمامه تسلیم پروردگارش بود، پاداش پرستش ها ونیایش ها و فرمانبرداری‌های خالصانه آن حضرت است که به این عنوان مفتخر گردد. در حالی که معیار دوستی های ما زمینی ها به این باز می گردد که چقدر فرد مقابل می تواند برایمان سود بخش باشد، چگونه می توانیم به واسطه او ما نیز در جمع دیده شویم، آیا در معیت او به ما خوش می گذرد و یا به دلیل مشکلات و گرفتاری هایی که دارد به قول امروزی‌ها به ما نیز انرژی منفی خواهد داد. گاه فردی را به عنوان دوست انتخاب می کنیم که از نظر امتیازات دنیایی چیزی کم ندارد اما انتخاب فردی که دم از دین و ایمان می زند بی‌کلاسی است. دوستیمان تا زمانی است که به او نیاز داریم، زمانی که نیازمان مرتفع شد تاریخ انقضای دوستیمان نیز سر می‌رسد، در نتیجه می توان گفت نود درصد انتخابمان نه از سر ویژگی های خود دوستمان بلکه برگرفته از خوددوستی و خود پرستیمان است و معمولا دوستانمان به واسطه شخصیت وجودی خودشان به چشممان نمی آید. لازم به تذکر است که هنوز هم هستند دوستان و دوستی هایی که صبغه الهی دارند و از اموری که دراین نوشتار یاد کردیم مبرا هستند، امید که تعداد این دوستی‌ها بیشتر و بیشتر گردد.

البته تفاوت های بسیار دیگری نیز وجود دارد که بیان آن در این مقال نمی گنجد و ما تنها اشاره ای بدان نمودیم و عاقل را اشاره ای بس است.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۴۷

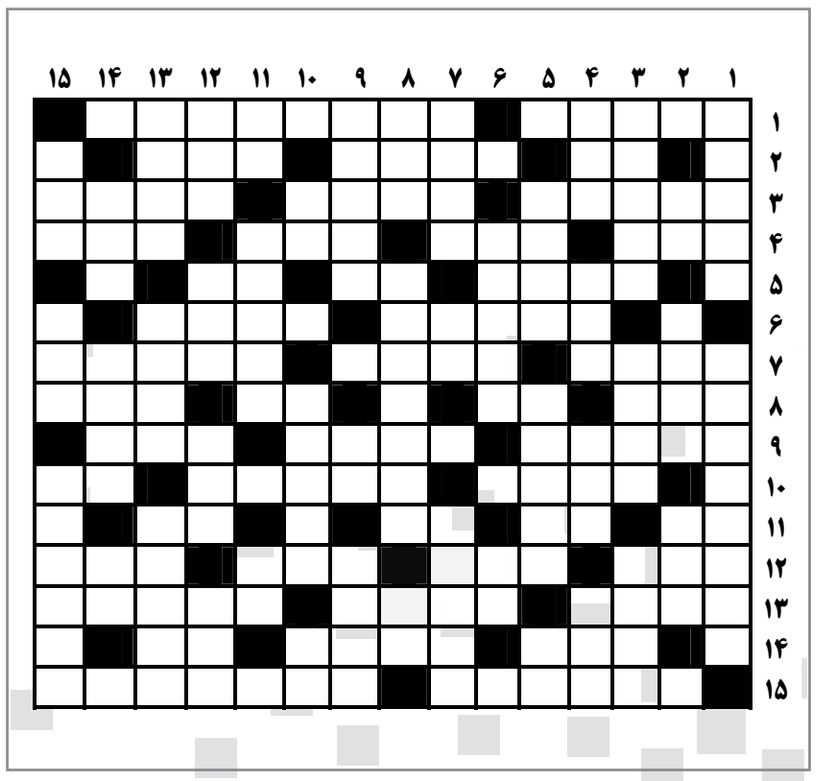

افقی:
۱-نویسنده شوخ‌طبع آمریکایی- بی‌برنامه و شلخته در گویش شیرازی
۲-از خوردنی‌های حرام- به فیلم‌های بزن بزن می‌گویند- بخشش
۳-مسلم و غیرقابل تردید- منافق نیست- میانه تخم‌مرغ
٤-چین و چروک صورت- پیمانه- اسب و شیر دارند- قرض اقساطی
۵-نامی عربی و زنانه- از سازهای ضربی- یکصد مترمربع
٦-گوشه- افسار
۷-مقابل آند- تیر مشقی- پولی که مستأجر به صورت امانت به موجر می‌دهد
۸-نظرها- یا- تلخ- همیشه
۹-شل گردیدن- اداره کننده- زیان‌بخش
۱۰-صحرا- از سبزیجات خوردنی- موضوع
۱۱-از لباس‌های زنانه- سطح- ابر زمین‌گیر شده- خیس
۱۲-از توابع استان مرکزی- میل درونی- مظهر پلیدی در فرهنگ ایرانی- تقوی و پرهیزگاری
۱۳-از شهرهای فرانسه- بحر- بی‌موقع
۱٤-سارق- متخصص- علامت مفعول بی‌واسطه
۱۵-اثری از ویلیام شکسپیر- نویسنده روسی قرن نوزده
عمودی:
۱-آگاه کردن- یکی از امپراتوران روم قدیم
۲-مروارید- روستایی در اسپانیا- رد کردن

جواب جدول شماره ۹۴/۷۴۶

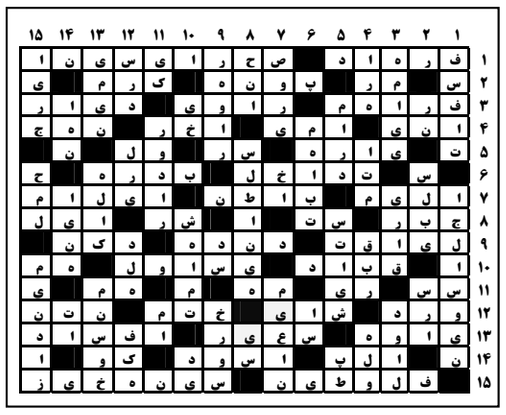

۳-آرزوها- نوعی صندلی- خیال و آرزو
٤-رها- از استان‌های کویری- قاتل را به آن می‌آویزند- پاک و مطهر
۵-نصف دولا- غصه- قلب
٦-از مربیان اصفهانی فوتبال- دوستی
۷-زیبا- از سوره‌های قرآنی- خوشحال و خرسند
۸-حسد- خمیازه- ای
۹-بزرگترین جزیره قناری- تکرار آخرین حرف- از بازی‌های نشانه‌روی
۱۰-تعجب زنانه- از القاب کسایی- مادر ورزش‌ها
۱۱-تردید- از شهرهای پاکستان- درخت زبان گنجشک
۱۲-کیوی دارد- خردمند- خمر خورده- قلعه
۱۳-خجالتی- از شهرهای عربستان- در افتتاح می‌چینند
۱٤-راهنما- از گرفتنی‌ها- ردیف
۱۵-حصه- گهواره- شناخته شده و جا افتاده

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۲۱

			5			7	6	1
		9			1	4		
7			4				9	3
		5		2		3	8	
	8			9			4	
	3	7		5		2		
5	9				3			6
		1	9			8		
4	7	3			8			

جواب جدول شماره ۹۴/۲۲۰

5	8	2	4	9	6	3	7	1
6	3	4	1	8	7	2	9	5
7	1	9	5	3	2	6	8	4
4	7	5	9	6	8	1	2	3
2	9	3	7	5	1	8	4	6
1	6	8	2	4	3	9	5	7
8	2	7	6	1	5	4	3	9
9	5	6	3	2	4	7	1	8
3	4	1	8	7	9	5	6	2

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.
تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.
اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره انشقاق

اینها می‌گویند ما فعلاً مأمور هستیم با تو باشیم. بعد اعمال سیئه‌اش مجسم می‌شود و [نهایتاً] بستگی دارد که کدام یک از اینها بیشتر باشد و غلبه کند و هر کدام غلبه کرد دیگری مجبور است برود.

غرض این است که در آن عالم، انسان کأنّه در این دنیا زندگی می‌کند اما به این صورت که در نتایج این دنیا زندگی می‌کند. قرآن از این عوالمی که یکی بعد از دیگری پیدا می‌شود تعبیر می‌کند به طبقاً عن طبق («عَن» به معنی «بعد» است) یعنی عوالمی که با یکدیگر منطبق و متطابق می‌شوند.

فما لهم لا یؤمنون. چه می‌شود اینها را که ایمان نمی‌آورند؟! چرا نمی‌خواهند حقیقت را بپذیرند و قبول کنند؟! و اذا قری علیهم القرآن لایسجدون. قرآن به حکم اینکه سخن خداست، روی قلب و فطرت پاک اثری دارد و آن اثر این است که خود به خود قلب و روح انسان را خاشع و خاضع می‌کند. («ساجد» در اینجا به همان معنای اعم است، یعنی خاشع و خاضع).

می‌فرماید: اینها را چه می‌شود که وقتی قرآن برایشان خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟! یعنی چرا مثل مؤمنین خضوع و خشوع نمی‌کنند.

انما المؤمنون الذین اذا ذکرالله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا. قل امنوا به او لا تؤمنوا ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا. و یخرون للاذقان یبکون و یزیدهم خشوعا. بل الذین کفروا یکذبون. والله اعلم بما یوعون. فبشرهم بعذاب الیم. الا الذین امنوا و عملوا الصالحات لهم اجر غیر ممنون.

می‌فرماید: بلکه کسانی که کفر و جحود می‌ورزند، اینها هستند که به خاطر آن روح جحود و انکارشان تکذیب می‌کنند. و خدا می‌داند که اینها در ضمیرشان چه چیزهایی پنهان کرده‌اند. یعنی ملکات خبیثه و ردّیه‌ای که در اثر گناهان در روح اینها پیدا شده، مانع ایمان آوردن و خضوع در مقابل قرآن است.

فبشّرهم بعذاب الیم. اینجا به طریق تحکم و لحن استهزاء می‌فرماید: اینها را به عذابی دردناک بشارت بده. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجر غیر ممنون. مگر کسانی که توبه کنند و ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، به اینها پاداشی قطع ناشدنی (یا پاداشی بی‌منت) داده خواهد شد.

*****

تفسیر سوره بروج

بسم الله الرحمن الرحیم. و السماء ذات البروج. و الیوم الموعود. و شاهد و مشهود. قتل اصحاب الاخدود...

سوره بروج است که از سوره‌های کوچک مکیه است. شکل سوره‌های مکیه با مدنیه فرق می‌کند. سوره‌های مکی معمولاً دارای چند خصوصیت است: یکی اینکه سوره‌های مکیه از سوره‌های مدنیه کوچکتر است.

دیگر اینکه آیات سوره‌های مکی کوتاه‌تر است و سوم اینکه لحن آیات مکیه به حکم اینکه در ابتدای بعثت است و هنوز برای دعوت و آشنا کردن مردم به مبدأ و معاد (باخصوص معاد) است، لحن خاص کوبنده‌ای است.

ولی در سور مدنیه بیشتر، احکام نازل شده است، چون بعد از این است که مسلمان‌ها عده زیادی پیدا کردند و احتیاج به مقررات و قوانین پیدا شد.

اما این سوره با اینکه مکیه است و اغلب آیات سوره‌های مکیه در مورد معاد است، اینچنین نیست؛ البته در این سوره از قیامت اسم برده شده ولی مثل دیگر سوره‌های مکیه نیست. در این سوره با اشاره به یک داستان، امر دیگری بیان شده و آن مسئله تحمل مؤمنین از شکنجه‌های خیلی شدید کافران است.

می‌فرماید: و السماء ذات البروج. سوگند به آسمان صاحب برج‌ها. «بروج» جمع «برج» است که در فارسی هم این کلمه آمده است. لغویین گفته‌اند: ماده «بُرج» و «بَرَج» مفهوم ظهور و بروز را می‌دهد. اگر شیئی در میان اشیاء دیگر بارزتر باشد، به آن حالت بروزش «بُرج» می‌گویند.

اینکه خطاب به زن‌های پیامبر(ص) می‌فرماید: و لا تتبرجن تبرج الجاهلیه، یعنی خودنمایی نکنید؛ چون «تبرج» یعنی خودنمایی کردن و اینکه زن بخواهد مرتب خودش را به نمایش بگذارد و در منظر و مرآی چشم‌ها قرار بدهد و این همان مفهوم ظهور و بروز را می‌دهد.

همین «بُرج» اصطلاحی است که در میان ما معمول است و از زبان عربی آمده [دارای مفهوم ظهور بروز است.] در قدیم اگر لشکری به جایی یورش می‌برد باید از همان دروازه شهر وارد می‌شد.

این بود که دور شهرها و حتی قصبات، حصار محکمی می‌کشیدند و درهای خیلی محکمی برای آن درست می‌کردند. آن وقت قسمت‌هایی از این حصار را برای دیده‌بانی بالا می‌بردند. افرادی بالای این برج‌ها می‌رفتند و همیشه مراقب بودند. گاهی هم وسط بیابان‌ها برج درست می‌کردند.

غرض اینکه به «برج» از آن جهت که شیء آشکار و بارزی است «برج» می‌گویند.

بعدها کلمه «برج» به عنوان یکی از اصطلاحات علمای نجوم به کار رفت. علمای نجوم برای نشان کردن ستارگان، کمربندی از ستارگان فرض کردند. آن وقت برای هر مجموع از ستارگان که شکل مخصوصی داشت و شباهتی به چیزی داشت اسمی گذاشتند و بیشتر هم از اسامی حیوانات استفاده کردند.